

دلار جهانی

در کمترین سطح ۴ سال اخیر



به نقل از راشاتودی، دلار آمریکا روز سه‌شنبه بدترین افت روزانه خود را در حدود یک سال اخیر تجربه کرد و پس از آنکه دونالد ترامپ به‌طور علنی از ضعف ارز آمریکا استقبال کرد، به پایین‌ترین سطح در ۴ سال اخیر سقوط کرد. شاخص دلار اسپات بلومبرگ که یکی از معیارهای مهم برای سنجش قدرت دلار در برابر ارزهای اصلی جهان است، شدیدترین افت خود را از آوریل گذشته ثبت کرد و به پایین‌ترین سطح از فوریه ۲۰۲۲ رسید. موج فروش دلار بلافاصله پس از آن تشدید شد که ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در ایالت آیووا در پاسخ به این پرسش که آیا دلار بیش از حد افت کرده است، گفت: نه، فکر می‌کنم عالی است. به ارز دلار نگاه کنید، به کسب‌وکارهایی که انجام می‌دهیم نگاه کنید. دلار دارد عالی عمل می‌کند. ترامپ توضیح داد که می‌خواهد ارز آمریکا فقط سطح طبیعی خود را پیدا کند که «منصفانه‌ترین» حالت است. وی موضع خود را با درگیری‌های گذشته با چین و ژاپن مقایسه کرد که آنها را به کاهش عمدی ارزش ارزهای‌شان متهم کرده بود و گفت: وقتی آنها ارزش ارز خود را کاهش می‌دهند، رقابت سخت است. تحلیلگران بازار این اظهارات را به‌عنوان فاصله گرفتن مهم از شعار سنتی دلار قوی تعبیر کردند؛ شعاری که دولت‌های هر حزب در آمریکا به آن پایبند بوده‌اند و بسایت آکسیوس گزارش داد خودداری ترامپ از تکرار این بیان کلیشه‌ای بازار را نگران و معامله‌گران را مضطرب کرده است. افت شدید دلار بخشی از روند نزولی گسترده‌تری است که از زمانی آغاز شد که ترامپ آوریل ۲۰۲۵ برنامه گسترده تعرفه‌های جهانی خود را معرفی کرد.

تجارت خارجی ایران به ۹۴میلیارد دلار رسید



گمرک ایران در گزارشی آخرین وضعیت تجارت خارجی کشور را منتشر کرد. بر اساس این گزارش، مجموع تجارت خارجی ایران در ۱۰ ماه سال جاری از حیث ارزش به ۹۴ میلیارد و ۱۲۲ میلیون دلار و از نظر وزن به ۱۶۳ میلیون و ۲۱۳ هزار تن رسید. این میزان تجارت خارجی به لحاظ ارزش ۱۱,۲۶ درصد کاهش و از حیث وزن ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. در این مدت ۱۳۰ میلیون و ۲۶ هزار تن انواع کالا به ارزش ۴۵ میلیارد و ۱۵ میلیون دلار به کشورهای مختلف صادر شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۱,۴۴ درصد افزایش و از نظر ارزش ۶,۳ درصد کاهش داشته است. بر اساس این گزارش، در ۱۰ ماهه سال جاری ۳۳ میلیون و ۱۷۷ هزار تن کالا به ارزش ۴۹ میلیارد و ۱۰۷ میلیون دلار وارد کشور شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۴,۶ درصد افزایش و از نظر ارزش ۱۵,۶ درصد کاهش یافته است.

صندوق ارزی با درآمد ثابت

دستورالعمل ناظر بر عملیات ارزی صندوق سرمایه‌گذاری در دارایی ارزی با درآمد ثابت ارزی در راستای اجرای بند «ج» ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی، طی جلسات مشترک مابین بانک مرکزی، مرکز مبادله ارز و طلای ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار مرکزی به تصویب رسید. طبق اعلام بانک مرکزی، بر اساس ماده ۱۰ این دستورالعمل، صندوق ارزی با هدف جمع‌آوری منابع ارزی از سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در دارایی ارزی به منظور تامین مالی طرح‌های صادرات محور و مدیریت خطر (ریسک) سرمایه‌گذاری ارزی و استفاده از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، تحت نظارت سازمان، در چارچوب قوانین منطبق بر مقررات ارزی فعالیت می‌کند. بر اساس ماده ۳ این دستورالعمل، سرمایه‌گذاری در صندوق ارزی، انتقال مالکیت واحدهای سرمایه‌گذاری شده و تسویه وجوه ناشی از ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری در صندوق ارزی در چارچوب این دستورالعمل و بر اساس مقررات ارزی صرفاً به صورت ارزی و بر مبنای ارز منتخب است و هرگونه تسویه وجه ریالی ممنوع است. همچنین در ماده ۴ این دستورالعمل تأکید شده‌است سقف قابل صدور واحدهای سرمایه‌گذاری در تمام صندوق‌های ارزی تا سقف هر سال برای سال بعد توسط بانک مرکزی به سازمان اعلام و هر گونه تغییر در سقف فوق در دوره‌های کمتر از یک سال صرفاً با تأیید کمیسیون ارز انجام می‌شود. لازم به ذکر است بر اساس ماده ۵ این دستورالعمل، صندوق ارزی می‌تواند در اوراق ارزی و گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری (خاص) ارزی ایفای تعهد پذیره‌نویسی و تعهد خرید کند. همچنین طبق ماده ۶ این دستورالعمل، سرمایه‌گذاران می‌توانند از طریق تحویل ارز اسکناس یا حواله ارزی به مدیر عملیات ارزی، مطابق با مفاد مندرج در اساسنامه و امیدنامه در صندوق ارزی سرمایه‌گذاری کنند. بر اساس ماده ۷ دستورالعمل، سرمایه‌گذاران می‌توانند از محل اسکناس ارزی مطابق ماده ۶ و همچنین از محل درآمدهای ارزی غیرصادراتی منابع ارزی مازاد بر تعهدات ارزی صادراتی یا از‌زهای با منشأ خارجی در صندوق ارزی سرمایه‌گذاری کنند.

واکاوی شکاف‌های ساختاری در روابط فراآتلانتیک در حاشیه نشست داووس

نظم جهانی ترمیم‌نشدنی



مجمع جهانی اقتصاد (اجلاس داووس) به عنوان یک نشست سالانه شناخته می‌شود که هر ساله فرصتی را برای گرد هم آمدن هزاران نفر از رهبران برجسته سیاسی، مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ، نخبگان اقتصادی و صاحب‌نظران دانشگاهی از اقصی نقاط جهان در سوئیس فراهم می‌آورد. این رویداد به طور سنتی کانون توجه خود را بر ارزیابی وضعیت اقتصاد جهانی و بررسی چالش‌های کلان و بین‌المللی قرار می‌دهد که موضوعات حیاتی همچون بحران تغییرات اقلیمی، امنیت انرژی، معضل نابرابری و فقر و همچنین اقق‌های آینده حکمرانی جهانی را دربر می‌گیرد. در همین راستا، برگزار کنندگان این مجمع گزارش دادند در اجلاس سال جاری، بیش از ۳۰۰۰ نماینده از بیش از ۱۳۰ کشور جهان مشارکت داشتند که در میان آنها ۶۴ رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر،

بویژه از اقتصادهای نوظهور حضور به هم رساندند. با این حال، آنچه اجلاس امسال داووس را از تمام دوره‌های پیشین متمایز و متفاوت ساخت، عبور از رویکرد همیشگی مبتنی بر تمرکز بر همکاری‌های بین‌المللی و در مقابل، برجسته شدن بی‌سابقه شکاف‌ها، تنش‌ها و تضادهای ساختاری بود که در بطن نظم لیبرال غربی نفوذ کرده است. برخلاف انتظارات معمول برای دستیابی به همکاری، این نشست به عرصه‌ای برای نمایش تزلزل در مبانی همکاری‌های پیشین تبدیل شد، به طوری که به جای تفاهم بر سر مسائل مشترک، تضادهای درونی میان قدرت‌های سنتی غربی و چالش‌های نهادینه شده در ساختار سیاسی و اقتصادی آنها به محور اصلی مباحث تبدیل شد و نشان داد که نظم موجود با بحران‌های جدی در انسجام داخلی روبه‌رو است.

در همین چارچوب، کلیدی‌ترین ویژگی نشست امسال را می‌توان بروز عیان و آشکارا تنش‌های دیپلماتیک و اقتصادی میان اروپا و ایالات‌متحده آمریکا دانست که بازتاب‌دهنده گسست در روابط فراآتلانتیک بود. این اختلافات عمیق که در سخنرانی‌های رهبران ۲ سوی آقیانوس اطلس به وضوح تجلی یافت، بیش از هر چیز بر سر مسائلی نظیر پرونده گرینلند و همچنین سیاست‌های تجاری و امنیتی اتخاذشده از سوی واشنگتن متمرکز بود. تقابل دیدگاه‌ها در این نشست بخوبی نشان داد که چگونه تضاد منافع در حوزه‌های استراتژیک، روابط میان متحدان سنتی را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده است انتقادات صریحی نسبت به رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه در حوزه امنیت و تجارت جهانی مطرح شود.

با موضع‌گیری صریح علیه سیاست‌های سلطه‌جویانه و آنچه «فتارهای غارتگرانه» دونالد ترامپ خواند، توانست بخش قابل‌توجهی از حاضران را با خود همراه کند. کارنی با اشاره به شرایط جاری نظام بین‌الملل گفت: «اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید، این سیستمی از تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ است که در آن قدرتمندترین‌ها به استفاده از ادغام اقتصادی به‌عنوان ابزار اجبار، منافع خود را دنبال می‌کنند. ما در بحبوحه یک گسست هستیم، نه یک گذار». او از «قدرت‌های متوسط» خواست برای دفاع از منافع خود متحد شوند و هشدار داد: «اگر پشت میز مذاکره نباشیم، در منو قرار می‌گیریم». این سخنرانی در نهایت با تشویق استاده حضار همراه شد و به نمادی از نارضایتی گسترده از سیاست‌های آمریکا بدل شد.

چین در موضع شریک بی‌خطر

با قوانین اقتصادی و تجاری بین‌المللی با استانداردهای بالا هماهنگ خواهد کرد. بازتاب رسانه‌ای اجلاس داووس نیز خود گویای عمق بحران نظم بین‌الملل بود. روزنامه گاردین این نشست را «سیرک ترامپ» توصیف کرد و به نقل از رئیس سازمان شفافیت بین‌الملل نوشت: داووس دیگر محلی برای گفت‌وگو درباره مسائل اساسی مانند فقر، گرسنگی و تغییرات اقلیمی نیست، بلکه به صحنه مذاکرات تحت تهدید، ارعاب و جنگ تبدیل شده است. الجزیره نیز این اجلاس را نشانه‌ای از گسیختگی نظم جهانی و به ستوه آمدن رهبران جهان از اقدامات دولت آمریکا دانست.

در سوی دیگر، هه لی‌فنگ، معاون نخست‌وزیر چین

تلاش کرد روایتی متفاوت از آینده نظم جهانی ارائه دهد. او در سخنرانی خود تأکید کرد که توسعه چین «یک فرصت است، نه یک تهدید» و پکن آماده است از ظرفیت‌های بازار خود برای به اشتراک گذاشتن رشد اقتصادی با سایر کشورها استفاده کند. هه‌لی‌فنگ تصریح کرد که اختلافات تجاری باید از طریق «مشورت‌ا از جایگاه‌ا برابر» حل و فصل شود تا اعتماد متقابل تقویت شده و مشکلات برطرف شود. او همچنین بر تداوم سیاست درهای باز چین تأکید کرد و گفت: «چین درهای خود را به روی جهان بازتر خواهد کرد» و این رویکرد را

۶۰۰ میلیارد دلاری اروپایی‌ها در اقتصاد ایالات متحده دقیقاً بر مبنای همین

تحلیل شکل گرفت؛ تحلیلی که فرض می‌کرد تنش‌ها به سطح امنیتی و

وجودی کشیده نخواهد شد و اروپا همچنان زیر چتر امنیتی ناتو باقی می‌ماند.

با این حال، تهدید صریح دونالد ترامپ برای تصاحب گرینلند (حتی با

توسل به زور) این چارچوب ذهنی را به طور بنیادین فرو ریخت. این تهدید،

ولو آنکه بعدها پس گرفته شد، حامل یک پیام راهبردی روشن بود؛ اینکه

ایالات‌متحده حتی در قبال نزدیک‌ترین متحدان خود نیز به عنوان یک

تضمین‌کننده امنیت قابل اتکا عمل نمی‌کند. در واقع، برای نخستین‌بار

بزرگ‌ترین حامی امنیتی اروپا خود به‌عنوان یک تهدید بالقوه امنیتی برای

این قاره ظاهر شد. از این منظر، سخن گفتن از «فروپاشی تدریجی ناتو»

دیگر یک اغراق رسانه‌ای نیست، بلکه بازتاب تغییری عمیق در واقعیت‌های

کانال‌های تحت کنترل غرب و بازگرایی مستقل دوچندان می‌کند. در جهانی

که ادغام اقتصادی به ابزار فشار تبدیل شده، استقلال نسبی در حوزه انرژی،

تجارت و مالی، نه یک انتخاب ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت بقااست. این

موضوع یعنی اهمیت ایران هم برای قدرت‌های متوسط که به دنبال شرکای

قابل اعتماد هستند و هم برای قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه که در

منازعه آشکار با آمریکا هستند، افزایش می‌یابد.

در نهایت، داووس ۲۰۲۵ را می‌توان نه صرفاً یک نشست اقتصادی، بلکه

آینه‌ای از گذار نظم جهانی به مرحله‌ای پرآشوب و بی‌ثبات دانست؛ مرحله‌ای

که در آن، روایت جمهوری اسلامی ایران درباره افول نظم آمریکامحور و غیرقابل

اعتماد بودن غرب، بیش از هر زمان دیگری با شواهد عینی همخوانی پیدا

کرده است. برای ایران، فهم دقیق این لحظه تاریخی و ترجمه آن به سیاست

خارجی و اقتصادی فعال، می‌تواند تفاوت میان انفعال در برابر تحولات و تبدیل

تهدیدها به فرصت‌های راهبردی باشد.

در یک جمع‌بندی کلی، مجمع جهانی اقتصاد در نشست اخیر خود از

یک پلتفرم متمرکز بر «همگرایی جهانی» به عرصه‌ای برای نمایان شدن

موضع تند اروپایی‌ها

اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، در سخنرانی خود در این اجلاس با لحنی انتقادی به وابستگی‌های ساختاری اروپا اشاره کرد و به نمایندگان آن هشدار داد «نوستالژی نظم قدیمی را برنمی‌گرداند و وقت‌کشی و امید به بازگشت سریع اوضاع، وابستگی‌های ساختاری ما را اصلاح نمی‌کند». وی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی خواست با ایجاد روابط تجاری جدید، ادغام عمیق‌تر بازارهای مالی و انرژی و کاهش اتکا به آمریکا، از این فرصت استفاده کنند و یک اروپای مستقل و جدید بسازند. این سخنان در واقع نشان‌دهنده نگرانی شدید بروکسل از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه واشنگتن و بی‌اعتمادی روزافزون به تضمین‌های امنیتی آمریکا بود.

۶۰۰ میلیارد دلاری اروپایی‌ها در اقتصاد ایالات متحده دقیقاً بر مبنای همین

تحلیل شکل گرفت؛ تحلیلی که فرض می‌کرد تنش‌ها به سطح امنیتی و

وجودی کشیده نخواهد شد و اروپا همچنان زیر چتر امنیتی ناتو باقی می‌ماند.

با این حال، تهدید صریح دونالد ترامپ برای تصاحب گرینلند (حتی با

توسل به زور) این چارچوب ذهنی را به طور بنیادین فرو ریخت. این تهدید،

ولو آنکه بعدها پس گرفته شد، حامل یک پیام راهبردی روشن بود؛ اینکه

ایالات‌متحده حتی در قبال نزدیک‌ترین متحدان خود نیز به عنوان یک

تضمین‌کننده امنیت قابل اتکا عمل نمی‌کند. در واقع، برای نخستین‌بار

بزرگ‌ترین حامی امنیتی اروپا خود به‌عنوان یک تهدید بالقوه امنیتی برای

این قاره ظاهر شد. از این منظر، سخن گفتن از «فروپاشی تدریجی ناتو»

دیگر یک اغراق رسانه‌ای نیست، بلکه بازتاب تغییری عمیق در واقعیت‌های

کانال‌های تحت کنترل غرب و بازگرایی مستقل دوچندان می‌کند. در جهانی

که ادغام اقتصادی به ابزار فشار تبدیل شده، استقلال نسبی در حوزه انرژی،

تجارت و مالی، نه یک انتخاب ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت بقااست. این

موضوع یعنی اهمیت ایران هم برای قدرت‌های متوسط که به دنبال شرکای

قابل اعتماد هستند و هم برای قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه که در

منازعه آشکار با آمریکا هستند، افزایش می‌یابد.

در نهایت، داووس ۲۰۲۵ را می‌توان نه صرفاً یک نشست اقتصادی، بلکه

آینه‌ای از گذار نظم جهانی به مرحله‌ای پرآشوب و بی‌ثبات دانست؛ مرحله‌ای

که در آن، روایت جمهوری اسلامی ایران درباره افول نظم آمریکامحور و غیرقابل

اعتماد بودن غرب، بیش از هر زمان دیگری با شواهد عینی همخوانی پیدا

کرده است. برای ایران، فهم دقیق این لحظه تاریخی و ترجمه آن به سیاست

خارجی و اقتصادی فعال، می‌تواند تفاوت میان انفعال در برابر تحولات و تبدیل

تهدیدها به فرصت‌های راهبردی باشد.

در یک جمع‌بندی کلی، مجمع جهانی اقتصاد در نشست اخیر خود از

یک پلتفرم متمرکز بر «همگرایی جهانی» به عرصه‌ای برای نمایان شدن

کانال‌های تحت کنترل غرب و بازگرایی مستقل دوچندان می‌کند. در جهانی

که ادغام اقتصادی به ابزار فشار تبدیل شده، استقلال نسبی در حوزه انرژی،

تجارت و مالی، نه یک انتخاب ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت بقااست. این

موضوع یعنی اهمیت ایران هم برای قدرت‌های متوسط که به دنبال شرکای

قابل اعتماد هستند و هم برای قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه که در

منازعه آشکار با آمریکا هستند، افزایش می‌یابد.

در نهایت، داووس ۲۰۲۵ را می‌توان نه صرفاً یک نشست اقتصادی، بلکه

آینه‌ای از گذار نظم جهانی به مرحله‌ای پرآشوب و بی‌ثبات دانست؛ مرحله‌ای

که در آن، روایت جمهوری اسلامی ایران درباره افول نظم آمریکامحور و غیرقابل

اعتماد بودن غرب، بیش از هر زمان دیگری با شواهد عینی همخوانی پیدا

کرده است. برای ایران، فهم دقیق این لحظه تاریخی و ترجمه آن به سیاست

خارجی و اقتصادی فعال، می‌تواند تفاوت میان انفعال در برابر تحولات و تبدیل

تهدیدها به فرصت‌های راهبردی باشد.

در یک جمع‌بندی کلی، مجمع جهانی اقتصاد در نشست اخیر خود از

یک پلتفرم متمرکز بر «همگرایی جهانی» به علت عدم وابستگی به

به‌عنوان ابزار اجبار، اهمیت راهبردهای ایران را به علت عدم وابستگی به